

بررسی تاثیر احساس امنیت عاطفی و شغلی بر توسعه فرهنگی

امیر هوشنگ استیری^۱ و جلیل عزیزی^{۲*}

۱ گروه علوم اجتماعی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

۲ گروه علوم اجتماعی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

* (نویسنده مسؤل)

چکیده

امنیت، همواره از نیازهای اصلی جوامع بشری از ابتدا تا کنون بوده است و پیوند عمیقی با سایر ساختارهای جامعه دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میزان تاثیر احساس امنیت عاطفی و شغلی در توسعه فرهنگی انجام شد. طرح پژوهش در این مطالعه، آزمایشی از نوع توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه ای انجام شد. پرسشنامه‌های پژوهش محقق ساخته بود. و نتایج با نرم افزار SPSS محاسبه و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که احساس امنیت عاطفی و شغلی با توسعه فرهنگی رابطه مثبت و معنادار با هم دارند.

واژه‌های کلیدی: امنیت عاطفی، امنیت شغلی، توسعه فرهنگی.

۱- مقدمه

بعد از نیازهای اولیه زندگی، احساس امنیت مهم‌ترین نیازی است که انسان‌ها در همه جوامع از گذشته تا حال به دنبال آن بوده‌اند. احساسی که جامعه‌شناسان، پررنگ بودن آن در هر جامعه‌ای را یکی از شاخص‌های سلامت اجتماعی آن جامعه و ملاک‌های تعیین‌کننده سلامت روحی و روانی افراد آن برمی‌شمارند. احساس امنیت را حتی از وجود آن برای شهروندان یک جامعه ضروری‌تر می‌داند. میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی، غفلت دستگاه‌های مسئول از برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت جوانان، بهره‌مندی افراد از رفاه اجتماعی و اقتصادی و فقر و حاشیه‌نشینی و ضعف فرهنگی از مهم‌ترین ملاک‌های تاثیرگذار در احساس امنیت یا نبود آن در هر جامعه‌ای است. امروزه امنیت اجتماعی به عنوان بخشی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. بی‌تردید زمانی که روح و جسم مردمان در آسودگی و آرامش باشد تمام قوای ذهنی و جسمی آنها معطوف به خودشکوفایی مادی و معنوی می‌گردد (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۴).

در یک جامعه مبتنی بر نظام اجتماعی سازمان یافته، امنیت تحقق می‌یابد. به طوری که جامعه بدون نظم اجتماعی، فاقد امنیت خواهد بود و فقدان امنیت هم، حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی مقتدر و مسلط بر اوضاع جامعه است. از این رو می‌توان گفت که اگر امنیت در جامعه نباشد، بدون تردید انسان‌ها نمی‌توانند نمودار آینده خود را بر اساس گذشته خویش ترسیم کنند و بالطبع رشد و توسعه هم امکان پذیر نمی‌گردد. پیش شرط رشد جوامع و خود شکوفایی آنها بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی بوده و این دو نیازمند امنیت، احساس امنیت و ایمنی است. با گسترش روزافزون شهرنشینی و توسعه کلان شهرها، به ویژه در دهه‌های اخیر، پدیده‌های چون صنعتی شدن، تراکم جمعیت، فشار ترافیک، از میان رفتن حس همسایگی و کاهش روابط خویشاوندی، کاهش اعتماد اجتماعی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی افزایش یافته است و ناامنی و آسیب‌های اجتماعی در شهرها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (صالحی مرزيجرانی، ۱۳۸۴).

از نظر دورکیم احساس امنیت زمانی در جامعه وجود دارد که همبستگی اجتماعی یا وجدان اجتماعی وجود داشته باشد و افراد جامعه خود را مقید به رعایت حقوق دیگران می‌دانند. لازم به ذکر است، که دورکیم قواعد حقوقی را برای ایجاد همبستگی اجتماعی نیز ضروری دانسته است و کنترل‌های رسمی را شرط لازم و التزام‌های اخلاقی را شرط کافی برای انتظام اجتماعی می‌داند (نویدنیا، ۱۳۸۸).

در فرهنگ دهخدا امنیت در لغت به معنای بی‌خوفی و امن، بی‌بیمی و ایمنی، ایمن شده و در امان بودن است. تعاریف موجود در فرهنگ لغات، درباره مفهوم کلی امنیت، بر احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹).

امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، به طوری که آبراهام مازلو نیز در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (کاهه، ۱۳۸۴).

تعریف اولیه فرهنگ عبارت است از کل پیچیده‌ای شامل دانش، باور، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم و دیگر قابلیت‌ها و عاداتی که انسان به عنوان یک عضو جامعه به دست آورده است. صاحب‌نظران بعدی بیش از ۳۰۰ تعریف را برای فرهنگ شناسایی کرده‌اند. در بیشتر این تعاریف به فرهنگ به عنوان سرمایه و دارایی‌های اجتماعی نظر دارند (اینکلز و لوینسون، ۱۹۶۹).

فرهنگ‌ها را می‌توان آموخت و آن را کسب کرد. فرهنگ می‌تواند بازتاب الگوهای فکری، نحوه ابراز احساسات، اعمال (هریس، ۱۹۸۷) عکس العمل‌ها (کلاک‌هان، ۱۹۵۱: ۸۶) ارزش‌ها و ایده‌ها و دیگر نظام‌های معنی دار نمادین (کروبر و پارسونز، ۴

1- Inkeles and Levinson

2- Harris

3- Kluckhohn

4- Kroeber, A.L. & T. Parsons

۱۹۵۸) باشد، ایده اصلی این است که فرهنگ مفهومی انتزاعی دارد و برگرفته از رفتار عینی و ملموس است؛ اساساً فرهنگ با نمادها انتقال می‌یابد این نمادها ترکیبی از دستاوردهای شخصی گروه‌های انسانی شامل مظاهر موجود در قالب مصنوعات است (کلاک هان، ۱۹۵۱: ۸۶).

از آنجا که فرهنگ یک مقوله کیفی است؛ سنجش فرهنگ و قابلیت به کارگیری روش‌های مختلف تحقیق (کمی-کیفی)^۵ امری حساس و قابل تأمل است، یک طبقه‌بندی مفید آنقدر انعطاف‌پذیر است که امکان پذیرش و به کارگیری انواع روش‌های تحقیق (تجربی، نیمه تجربی، موردپژوهی، مطالعه میدانی و روش‌های کیفی) در مسائل مورد تحقیق را به پژوهشگران بدهد، تکرار یک مطالعه با استفاده از روش‌های متفاوت اثبات خواهد کرد که یافته‌های تحقیق را به جای توضیح با ویژگی‌های خاص یک روش، می‌توان با نظریه اصلی مورد نظر، توضیح داد؛ بنابراین هر چه یک چارچوب آمادگی پذیرشو به کارگیری در روش‌های گوناگون تحقیق را نشان دهد، پیشرفته‌تر بودن آن؛ بیشتر تأیید می‌شود. فرهنگ‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند؛ اگر توانایی یک طبقه‌بندی در تحلیل تغییرات بالا باشد، به محققان این امکان را می‌دهد تا تغییرات نگرشی، ارزشی و هنجاری سازمان را توصیف، تبیین و پیش‌بینی کنند؛ بنابراین هر چه طبقه‌بندی در تبیین و توضیح تغییرات فرهنگی منعطف‌تر باشد، پیشرفته‌تر ارزیابی می‌شود. لذا هر چه مناسبات بشری توسعه پیدا می‌کند و امکانات ارتباطی و فناوری اطلاعات گسترده‌تر می‌شود، طبعاً اجزای فرهنگ‌ها هم بیشتر می‌شود، تأثیر و تأثرها موجب می‌شود که بر فرهنگ‌ها اجزایی افزوده شود. فرهنگ همانند روح و روان در کالبد جامعه جریان دارد؛ چند لایه است و نه یک سطح که سطوح گوناگونی دارد. فرهنگ قانونمند است، باید فرهنگ و قوانین حاکم بر آن را بشناسیم، فرهنگ‌شناسی و علم فرهنگ گویای این نکته است که چه قوانینی بر فرهنگ حاکم و پیوسته روان است. ممکن است یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تبدیل شود. فرهنگ، فرایند سیر تعریف شده دارد، فرایند مند استفا ایستا نبوده، پویا و انعطاف‌پذیر است، توقف نمی‌کند یا رو به ارتقا بوده و یا رو به انحطاط است، در عین این که تأثیر گذار است، تعامل پذیر نیز می‌باشد، تأثیر گذاری فرهنگ از احکام کلی فرهنگ است، علم فرهنگ در کشف اجزاء و جزئیات و در همه‌ی حوزه‌ها که به آن اشاره شد وظیفه مند است، اگر فلسفه می‌گوید قانونمند است؛ علم می‌گوید با چه چیزی بر چه چیزی؟ از جمله دیگر مباحث اساسی فلسفه‌ی فرهنگ عمدتاً عبارتند از روش‌شناسی فرهنگ پژوهی، هستی‌شناسی، چیستی-شناسی، مبادی‌شناسی، سرشت‌شناسی و گونه‌شناسی فرهنگ‌ها، فرهنگ‌ها تقسیم پذیر هستند، و تقسیمات کلی به عهده‌ی فلسفه است. از نظر صادقی رشاد، فرهنگ به فرهنگ دینی، فرهنگ سکولار قابل تقسیم است (رشاد، ۱۳۸۵).

مفهوم دیگری که در بحث از توسعه مطرح می‌شود توسعه فرهنگی است. این مفهوم از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد از طرف یونسکو در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه از ابعاد و بار ارزشی بیش تری برخوردار است و تأکید بیش تری بر نیازهای غیر مادی افراد جامعه دارد. بنابراین، فرآیندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها، شخصیت ویژه‌ی را در آن‌ها به وجود می‌آورد، که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارهای کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه می‌باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). اساساً فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه است، و از این رو، توسعه فرهنگی، هم یکی از پیش شرط‌های بنیادی تحقق توسعه و هم یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه است؛ از همین رو بیش تر صاحب نظران توسعه، از جمله کارگزاران و مسئولان سازمان ملل متحد، تأکید خاصی بر فرهنگ به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه دارند (فکوهی، ۱۳۷۹).

لذا در راستای پژوهش این مسئله بیان می‌شود که آیا احساس امنیت عاطفی و شغلی در توسعه فرهنگی تأثیر گذار می‌باشد؟

⁵ - Applicability to multiple research methods

پیشینه تحقیق

قاسمی و محمدی (۱۳۹۲)، به بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله شهرکرد پرداختند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر امنیت شهروندان سن، جنس، رضایت اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی است و متغیرهای منشأ اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی هیچ‌گونه رابطه معناداری با میانگین احساس امنیت نشان نداده است.

بابایی فرد (۱۳۸۹)، طی تحقیقی رابطه بین توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی، با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده‌ها، مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه فرهنگی در ایران با موانع متعددی همچون آسیب‌های هویتی و فرهنگی، فقدان روحیه فردگرایی، در معنای اصالت فردیت، فقدان شرایط تکثر فکری و فرهنگی و ضعف سرمایه فکری و فرهنگی، مواجه است. مسلماً چنین پدیده‌های می‌تواند نقش اساسی در عدم توسعه اجتماعی داشته باشد. نتایج: فرض اساسی این پژوهش این است که فرهنگ یک متغیر بسیار مهم در دگرگونی‌های اجتماعی است؛ در نتیجه، تحقق توسعه فرهنگی پیش شرط بنیادی توسعه اجتماعی است. دیدگاه‌های نظری و یافته‌های پژوهش‌های تجربی در ایران، به ویژه پژوهش حاضر، نیز این قضیه را مورد تأیید قرار داده اند.

جکسون و سانشین^۶ (۲۰۰۷)، در مورد احساس ناامنی بیان کرد داده‌های حاصل از پیمایش درباره جرایم محلی نشان داده است که پاسخ دهندگانی که دیدگاه اقتدارگرایانه تری درباره قانون و نظم دارند، و هم چنین آن‌ها نسبت به انحراف دراز مدت جامعه نگران هستند، احتمالاً بیشتر از سایرین، بی‌نظمی در محیط را درک می‌کنند. هم چنین بیشتر احتمال دارد که آن‌ها این نشانه‌های فیزیکی را به مشکلات مربوط به اجتماع و نسجام اجتماعی و هم چنین به کیفیت رو به زوال پیوندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی ربط دهند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین میزان احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان احساس امنیت شغلی و توسعه فرهنگی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش به منظور نمونه‌گیری از جمعیت آماری تحقیق، از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش مصاحبه و با پرسشنامه جمع‌آوری می‌گردد. پرسشنامه‌ی مورد استفاده در این پژوهش از لحاظ ساختاری به صورت دو بخشی می‌باشد. بخش اول پرسشنامه دارای در مورد سوالات جمعیت شناختی طراحی شده است. بخش دوم پرسشنامه دارای سوالاتی با پاسخ‌هایی با طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم)، جهت سنجش مولفه احساس امنیت عاطفی و شغلی به عنوان متغیرهای مستقل و توسعه فرهنگی به عنوان متغیر وابسته طراحی شده است. در پژوهش حاضر برای اطمینان از روایی پرسشنامه محقق ساخته ضمن استفاده از نظرات اساتید، کارشناسان و صاحب نظران محترم در این زمینه، تلاش گردیده تا اصول تهیه این نوع پرسشنامه‌ها رعایت شده و پرسشنامه معرف تمام حیطه‌ها و عوامل، مفاهیم و رفتارهایی باشد که الگو به وسیله آنها مفهوم مورد نظر را اندازه‌گیری می‌نماید. به عبارتی تلاش گردیده تا سوالات پرسشنامه شامل همه مباحثی باشد که در مورد تاثیر احساس امنیت بر توسعه فرهنگی مطرح گردید. در این پژوهش جهت برآورد پایایی پرسشنامه محقق ساخته از روش همسانی درونی استفاده شده است. همسانی درونی بر همسانی یا یکنواختی ماده‌ها یا اجزاء تشکیل دهنده یک آزمون دلالت دارد و بیانگر این است که سوالات آزمون تا چه اندازه به هم رابطه دارند. زیرا در تدوین آنها این فرض پذیرفته شده است که هر سؤال معرف صفت مورد اندازه‌گیری است و از این نظر بین آنها تفاوتی وجود ندارد. در این تحقیق از میان روش‌های موجود برای تعیین همسانی درونی از روش ضریب آلفا یا ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. بر اساس تحلیل انجام شده بوسیله نرم افزار SPSS آلفای کرونباخ

⁶ Jackson and Sunshine

کل پرسشنامه ۰/۹۶۱ می باشد که ضریب بسیار خوبی را نشان می‌دهد. این ضریب بیان می‌کند که اجزاء پرسشنامه از همسانی دورنی عالی برخوردار می‌باشند. جامعه آماری در این مطالعه شامل: شهروندان شهر بندرعباس که تعداد آنها بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ برابر با غالب بر ۴۴۹ هزار نفر بوده است. برای برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده می‌کنیم. این جدول حداکثر تعداد نمونه را می‌دهد. که با کمک جدول مورگان و کرجسی تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه پژوهش حاضر انتخاب گردید. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام شد.

یافته‌های تحقیق

بررسی مشخصات عمومی پاسخگویان

از این رو در ادامه به بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری پرداخته می‌شود. در ابتدا به مشخصات عمومی پاسخگویان پرداخته می‌شود و در ادامه به نظر پاسخگویان در ارتباط با هر یک از سؤالات پرداخته می‌شود. بررسی اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌ها، فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس جنسیت و وضعیت تاهل پاسخگویان مطابق جدول ۱، است:

جدول ۱: نگاره فراوانی شهروندان بر حسب جنس و تاهل

متغیر	جنسیت		تاهل	
	مرد	زن	متاهل	مجرد
فراوانی	۱۸۰	۲۰۴	۳۴۸	۳۶
درصد	۵۳/۱۳	۴۶/۸۸	۹۰/۶۳	۹/۳۸

همانطور که در جدول ۱، مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی یعنی معادل ۵۳/۱۳ درصد جامعه نمونه مرد و ۴۶/۸۸ درصد جامعه نمونه زن می‌باشند. بیشترین فراوانی یعنی معادل ۹۰/۶۳ درصد جامعه نمونه متاهل و ۹/۳۸ درصد جامعه نمونه مجرد می‌باشند.

بررسی اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌ها، فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس سطح تحصیلات و نوع استخدام پاسخگویان مطابق جدول ۲ است:

جدول ۲: نگاره فراوانی شهروندان بر حسب سطح تحصیلات و نوع کسب و کار

متغیر	سطح تحصیلات							نوع کسب و کار
	دیپلم و پایین‌تر	فوق دیپلم	کارشناس	کارشناسی ارشد و بالاتر	دولتی	خصوصی	آزاد	
فراوانی	۱۸۱	۷۵	۹۶	۳۲	۶۳	۱۰۶	۹۶	
درصد	۴۷/۱۴	۱۹/۵۳	۲۵	۸/۳۳	۱۶/۴۱	۲۷/۶۰	۲۵	

همانطور که در جدول ۲، مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی یعنی معادل ۴۷/۱۴ درصد جامعه نمونه دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر و کمترین تعداد با ۸/۳۳ درصد جامعه نمونه دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند. و بیشترین فراوانی یعنی معادل ۳۰/۹۹ درصد جامعه نمونه در سایر زمینه‌ها به کسب و کار مشغول هستند و کمترین تعداد با ۱۶/۴۱ درصد جامعه نمونه دارای شغل دولتی می‌باشند.

آمار استنباطی

آزمون فرضیه ها

در آزمون فرضیه‌ها یا آزمون معناداری، پژوهشگر، فرضیه صفر را رد یا قبول می‌کند. یعنی اینکه اگر H_0 پذیرفته شود، فرض می‌شود که H_1 رد شده است و اگر H_0 رد شود H_1 پذیرفته شود. برای تعیین معناداری آماری یک مطالعه پژوهشی، پژوهشگر باید سطح احتمالی یا سطح معناداری آن را تعیین کند؛ تا فرضیه صفر در مقابل آن آزموده شود. اگر نتایج مطالعه احتمالی، کمتر از این سطح را نشان دهد، پژوهشگر می‌تواند فرضیه صفر را رد کند. هرگاه اثبات نتیجه پژوهش احتمال بالایی داشته باشد، پژوهشگر باید فرضیه صفر را تأیید کند؛ در حقیقت، از آنجا که فرضیه صفر، عموماً بیان نمی‌شود، قبول یا رد، در فرضیه "پژوهش" به کار بسته می‌شود، نه در فرضیه صفر (دلاور، ۱۳۸۷).

به منظور تدوین فرضیه‌های پژوهش، پژوهشگر هم از قیاس و هم از استقرا استفاده می‌کند. بنابراین برای تنظیم فرضیه دو منبع بالقوه وجود دارد:

الف) تئوری‌های کلی و کامل و جامع موجود؛ این فرضیه‌ها با استفاده از یک رشته قیاس‌های معین منجر به پیش‌بینی‌هایی می‌شود که در صورت شرایط معین، نتایج مشخصی به‌دست خواهد آمد.

ب) نتایج پژوهش‌های انجام شده پیشین؛ هدف این فرضیه‌ها استقرا رابطه بین دو یا چند متغیر در زمان حال است (حیدرعلی، ۱۳۸۷).

تست نرمالیت

برای اجرای روش‌های آماری و محاسبه آمار، آزمون مناسب و استنتاج منطقی درباره فرضیه‌های پژوهش؛ مهمترین عمل، قبل از هر اقدامی انتخاب روش آماری مناسب برای پژوهش است. برای استفاده از تکنیک‌های آماری ابتدا باید مشخص شود که داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا خیر؟ زیرا در صورت نرمال بودن توزیع داده‌های جمع‌آوری شده برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود در صورت غیر نرمال بودن از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کرد. برای این منظور در این پژوهش از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش استفاده شده است. این آزمون باتوجه به فرضیات زیر به بررسی نرمال بودن داده می‌پردازد.

H_0 : داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند.

H_1 : داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند.

جدول ۳: تست نرمالیت

عامل	سطح معناداری	مقدار خطا	تایید فرضیه	نتیجه
احساس امنیت عاطفی	۰/۲۴۱	۰,۰۵	H_0	نرمال است
احساس امنیت شغلی	۰/۳۲۶	۰,۰۵	H_0	نرمال است
توسعه فرهنگی	۰/۱۵۲	۰,۰۵	H_0	نرمال است

با توجه به جدول ۳، متغیرها دارای توزیع نرمال هستند و می‌توان برای بررسی آنها از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. برای محاسبه همبستگی بین کلیه متغیرهای تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. این ضریب بین ۱ تا -۱ می‌باشد و در صورت عدم وجود رابطه بین دو متغیر برابر صفر می‌باشد.

آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه اول

• بین میزان احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی رابطه وجود دارد.

H_0 : میان احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: میان احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: آزمون رابطه احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی

متغیرها	مستقل	احساس امنیت عاطفی
	وابسته	توسعه فرهنگی
آزمون	پیرسون	
میزان	۰/۲۲۹	
سطح معناداری	۰/۰۰۱	
تعداد	۳۸۴	

برای آزمون این سوال از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است، با توجه به جدول ۴، نتایج بدست آمده به این شرح توضیح داده می شود: بین احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی رابطه همبستگی معناداری وجود دارد، چرا که سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰,۰۱ است، در نتیجه در سطح ۹۹ درصد رابطه معناداری میان احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی وجود دارد. شدت همبستگی بین دو متغیر در سطح ضعیفی قرار دارد. بنابراین این سوال پژوهش مورد تایید قرار می گیرد، به این مفهوم که احساس امنیت عاطفی باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) خواهد شد.

• بین میزان احساس امنیت شغلی و توسعه فرهنگی رابطه وجود دارد.

H0: میان احساس امنیت شغلی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: میان احساس امنیت شغلی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: آزمون رابطه احساس امنیت شغلی و توسعه فرهنگی

متغیرها	مستقل	احساس امنیت شغلی
	وابسته	توسعه فرهنگی
آزمون	پیرسون	
میزان	۰/۴۰۲	
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
تعداد	۳۸۳	

برای آزمون این سوال از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است، با توجه به جدول ۵، نتایج بدست آمده به این شرح توضیح داده می شود: بین احساس امنیت شغلی و توسعه فرهنگی رابطه همبستگی معناداری وجود دارد، چرا که سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰,۰۰۱ است، در نتیجه در سطح ۹۹ درصد رابطه معناداری میان احساس امنیت شغلی و توسعه فرهنگی وجود دارد. شدت همبستگی بین دو متغیر در سطح متوسطی قرار دارد. بنابراین این سوال پژوهش مورد تایید قرار می گیرد، به این مفهوم که تغییرات در احساس امنیت شغلی باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) خواهد شد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش به بررسی تاثیر احساس امنیت عاطفی و شغلی در توسعه فرهنگی پرداختیم. روش تحقیق حاضر بر حسب هدف کاربردی و بر حسب شیوه گردآوری داده ها توصیفی از نوع پیمایشی همبستگی جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش، شهروندان مناطق شهری بندرعباس بود. که نتایج تجزیه نشان داد که: میان احساس امنیت عاطفی و توسعه فرهنگی رابطه

معناداری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بین دو متغیر بالا رابطه معناداری وجود دارد (سطح معناداری پایین تر از ۰/۰۵ است). بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه محقق پذیرفته می‌شود. همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰,۲۲۹ است.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین دو متغیر بالا رابطه معناداری وجود دارد (سطح معناداری پایین تر از ۰/۰۵ است). بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه محقق پذیرفته می‌شود. همبستگی بین متغیر های مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰,۴۰۲ است.

بنابراین برای بهبود احساس امنیت و شاخص‌های توسعه فرهنگی، کاهش پراکندگی توسعه فرهنگی، با تغییر دادن اولویت‌های تخصیص منابع فرهنگی و امکانات و زیرساخت‌ها به نفع شهرستان‌های محروم استان و با توسعه فرهنگی پایین تر، افزایش نرخ باسوادی، گسترش آموزش عالی و تمرکززدایی از شهرمسلط بندرعباس، توجه به زیرساخت‌های فرهنگی، همچون کتابخانه، تأسیسات و تجهیزات آموزشی، توجه به انتشار روزنامه های محلی، نشریات ادواری، افزایش مرکز نشر و توسعه تولید برنامه های صدا و سیما و رفع احساس ناامنی توصیه می‌شود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
۲. بابایی فرد، اسدالله، (۱۳۸۹)، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷.
۳. صالحی مرزيجرانی، زهرا (۱۳۸۴). آسیب شناسی شهرنشینی در ایران امروز، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۱۱-۲۱۲، تهران.
۴. فکوهی، ناصر (۱۳۷۹). درآمدی بر انسان شناسی، نشر نی، تهران.
۵. قاسمی، راضیه و محمدی، اصغر (۱۳۹۲). بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی موثر بر آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله شهرکرد، فصلنامه دانش انتظامی چهارمجال و بختیاری، سال اول، شماره ۲، صص ۳۷-۲۱.
۶. کاهه، احمد (۱۳۸۴). مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران: انتشارات گلپونه.
۷. ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. نعمتی، زهرا؛ صبوری، رباب و علیزاده اقدم، فیروزه (۱۳۹۴). بررسی عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی زنان در محیط کار (مطالعه موردی: شهرستان سراب)، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، دوره پنجم، شماره ۱۷، صص ۴۵-۶۸.
۹. نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
10. Inkeles, A. & Levinson, D.J. (1969) 'National character: The study of modal personality and sociocultural systems', The handbook of social psychology, vol. 4, pp. 418-506.
11. Jackson, J and Sunshine, J. (2007), 'Public Confidence in Policing: A Neo- Durkheimian Perspective', British Journal of Criminology, 47: 214-33.
12. Kluckhohn, D. (1951.a). The Study of Culture. In: D. Lerner & H.D. Lasswell (Eds). The Policy Science. Stanford. University Press.